

تفسیر قوانین جزا

منظور از تفسیر و تعبیر قانون کوش مفهومی واقعی است تا آنکه قاضی بتواند مورد معینی را تطبیق بدهد و بخصوصی از آن قانون بنماید.

برای منظور در روش ممکن است اتخاذ گردد: یکی آنکه حفظ نظامات عمومی و احترام حقوق اجتماعی بیشتر مورد نظر و توجه قاضی بوده و در این مورد دست مفسر باز و ماده بخصوصی تطبیق بموارد متعددی می شود.

در روش دوم نظر قاضی بیشتر احترام حقوق افراد و حفظ آزادی اشخاص بوده و باین کیفیت قاضی فقط به نص صریح قانون خود را قانع گشته و فقط آن را تطبیق بمواردی می نماید که صراحتاً ذکر شده باشد.

در تفسیر قوانین جزائی اغلب مقننین کشورهای مختلف روش ثانی یعنی تفسیر مقید بنص قانون و حصر بموارد معینه را اتخاذ نموده اند - در قانون مجازات بسیاری از کشورهای این اصل مشاهده میشود که هیچ جرمی و هیچ مجازاتی بدون قانون وجود نخواهد داشت. این مفهوم همان عبارت قدیمی و معروف حقوق روم است که در قانون اغلب دول بصورت ماده در آمده است Nullum crimen nulla poena sine lege

فلسفه اتخاذ این رویه در حقوق جزا بیانیه ایست که در قرون وسطی از نظر حفظ انتظامات عمومی در مجازات مجرمین میشد چنانچه بنظر قاضی می رسید که عمل مرتکبه برخلاف مقررات اجتماعی است هر مجازاتی که بنظرش سزاوار می آمد در باره مجرم اجرا نمیشود - رؤسای مذاهب در قرون وسطی همیشه خود را مخالف این رویه نشان داده و در جستجوی راه اصلاحی بودند ولی در عمل افکار آنها در حقوق موضوعه صورت قانونی بخورد نگرفت تا آنکه بالاخره در قرن نوزدهم ماده ۸ اعلامیه

حقوق بشر مقرر داشت: هیچ کس را نمی توان مجرم دانسته و مجازات نمود مگر بموجب قانونی که قبلاً وضع شده باشد. ماده ۲ قانون مجازات عمومی ایران مشعر بر این معنی بوده و اصل ۱۲ متمم قانون اساسی می نویسد: حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمیشود مگر بموجب قانون در کشور انگلستان که اصول قضائی آن متکی به روش ۸۰۰ ساله قضاوت میباشد نیز مراعات تفسیر مقید قوانین جزائی شده و در امور جزائی چنانچه نص صریحی راجع بموضوع معینی نباشد قاضی تعیین مجازات نخواهد کرد.

ماده ۴ قانون مدنی ایتالیا مشعر است بر اینکه: قوانین جزائی و قوانینی که آزادی افراد را محدود می نمایند در حقیقت مقررات استثنائی بوده و جز به مواردی که صراحتاً قانون پیش بینی کرده نباید تطبیق شوند (۱).

بالاخره قانون مجازات لهستان و قانون مجازات اسپانی هر دو نیز این اصل را پذیرفته اند.

قبل از آنکه وارد شرح این رویه شویم لازم است نتایج حاصله از ماده ۲ قانون مجازات را بطور خلاصه ذکر نمایم.

از اجرای ماده مزبور سه نتیجه اخذ میشود: ۱ - اگر عملی ولو آنکه اخلاقاً منفور و زشت باشد لیکن قانون برای آن عمل مجازات پیش بینی نکرده قابل مجازات نیست در اینجا این مطلب تذکر داده شود که «پیش بینی» شدن جرم از طرف مقنن شرط است نه تعریف آن.

گرچه عدم تعریف جرم از طرف مقنن اغلب تولید

(۱) چنانچه ملاحظه میشود ماده ۴ قانون مدنی ایتالی اثر مستقیم افکار بارزل و عبارت مشهور او است راجع به جزائیات *Odfoe, sunt, restringeudr*

اشکالاتی می نماید لکن چون بیشتر جرائم در قانون تعریف خاصی ندارند کافی است که جرم مزبور پیش بینی شده باشد تا بتوان مرتکب را مجازات نمود.

۲ - قاضی نباید بفکر خود اختراع یا تصور جرم کند. اختراع جرم باین معنی که طبق احساسات و عواطف خود عملی را منظور و قابل مجازات دانسته و تطبیق با یکی از موارد قانون کند - تصور جرم این است که بگمان قاضی عمل ارتكابی قابل مجازات میباشد و حال آنکه قانون چنین موردی را پیش بینی نکرده است.

۳ - قوانین جزائی قبل بسط و توسعه نبوده و نمی توان از روی تشابه و بحث مطلق برای عملی که سرعاً منظور قانون نبوده مجازات معین کرد (این قسمت در پایین شرح داده خواهد شد).

در مقابل کشورهای که مانند ایران قسیر نارسا و مقید قوانین جزائی را رویه خود قرار داده اند کشور های دیگری است که سراًحتاً در قوانین جزائی خود این اصل را بکنار گذاشته و تفسیر مطلق قانون مجازات و ایجاد جرائم تشابهی را قبول کرده اند.

ماده ۲ مکرر قانون مجازات آلمان مذبوبه - همان پیش مقرر میباشد: « هر کس مرتکب عملی شود که مطابق قانون جرم بوده یا آنکه طبق اصول و فلسفه قانون مجازات و عقل سلیم عامه سزاوار تنبیه باشد مجازات خواهد شد و اگر عمل مزبور با هیچیک از مواد قانون مجازات تطبیق نکند مجازات آن طبق ماده خواهد بود که بیشتر شباهت بجرم مرتکبه دارد » (مفهومی مجازات تشابهی).

بالاخره ماده ۱ قانون مجازات دانمارک مشعر است بر اینکه: « هر عملی که جرم بودن آن از طرف قانون مجازات دانمارک پیش بینی شده یا آنکه آن عمل کاملاً شبیه به یکی از موارد پیش بینی شده باشد قابل مجازات است ».

با ذکر دو رویه مذکوره حال ملاحظه کنیم در روش قضائی دسته اول تا چه اندازه مراعات مداول ماده

۲ قانون مجازات ایران شده و علت واقعی اختلاف رویه در قوانین مجازات کشورهای مختلف چیست ؟

این مطلب مسلم است که با مرور زمان و پیدایش اختراعات گوناگون و ترقیات حاصله درق - تنهای مختلف زندگی قانون نیز باید باسیر تکاملی تغییر یافته و مطابقت با احتیاجات موقع بنماید - بدیهی است قانونی که در چند قرن پیش تدوین شده است رفع ضروریات امروزه را نمانده و با احتیاجات روزمره برابری نمی کند.

از ترقیات مادی و اختراعات علمی و صنعتی که بگذردیم دچار اشکال دیگری می شویم که آن توسعه دماغی و فطانت پاره از مجرمین است که هوش و ذکاوت خود را بسوء تعبیر قانون استعمال کرده و باصطلاح در حراشی قانون زندگی نموده از مقررات مقید و نارسای قانون جزا - سوء استفاده میکنند - در این موارد سزاوار نیست که قاضی با علم و تزویر مجرم تسلیم او شده و عدم کفایت قانون یا زرنگی متهم موجب مصونیت مجازات از او گردد - همین فکر سبب شده که روش قضائی کشورهای هم که جرائم تشابهی را اصولاً قبول نکرده اند در تفسیر و تغییر قوانین بیشتر خود را آزاد و گشاده دست نشان داده و مفهومی ماده ۲ قانون مجازات را سیر مصونیت مجرمین قرار ندهند - در اینجا ذکر چند مثال برای روشن شدن مطلب لازم است :

طبق ماده ۳۷۹ قانون مجازات فرانسه سرعت عبارت از بودن مال غیر بطور تقلب معنی ربودن این است که کسی دست بروی مالی که متعلق بدیگری است گذارده و آن را ببرد - در عمل مشاهده شد در ارتکاب بعضی اعمال که شبیه بدزدی است تطبیق با قانون نکرده و « ربودن متقلبانه » مصداق پیدا نمی کند.

مثلاً شخصی بدون داشتن وجه وارد مهمانخانه شده باحیث حالی با کمال اشتها غذا خورده و در موقع پرداخت اظهار میدارد بی پول و قادر بنأدیه نیست - بعضی از دادگاههای آن کشور عمل را سرقت تشخیص داده و اغلب مورد فسخ استیناف و نقض تمیز واقع گردید

ماده ۴۰۵ همان قانون هم که تعریف کلاهبرداری را میکند ناظر باین مورد نمیشد بالاخره برای رفع این تقیسه تبصره ذیل ماده ۴۰۱ که تعریف سرقتهای عادی را مینماید در ۱۸۷۳ اضافه شد باین میان : « عدم تأدیة وجه برستوران موجب حبس تأدیی از ۶ روز تا ۶ ماه و غرامت از ۱۶ تا صد فرانک خواهد بود »

مثال دیگر - شخصی سرار درشکه یا اتومبیل شهری شده پس از انجام کارهای خود براننده اظهار بی پولی می کند - چه جرمی مرتکب شده است ؟ کلاهبرداری - سرقت - هر کدام تعریف خاصی دارند فقط در ۱۹۲۶ ماده بخصوصی در قانون مجازات وضع و مرتکب را مجازات نمود .

در موا دیگر بالضرورة روش قضائی فرانسه از تغییر بقید قوانین جزائی و در افاده و در قابل احتیاجات علمی مواد قانون جزا را - ط داده و حتی جرم تشابهی را قبول نموده است .

شخصی از سیم الکتریک مقابل خانه خود سیم فرعی کشیده و با انشعاب مقداری از الکتریسته کمپنی را بجایا بمصرف میرساند .

ماده ۳۷۹ ناظر بسرقت بر بردن متلبانه - شبی را شرط جرم سرقت قرار داده است - الکتریسته کیفیتی است تفرقه شبی از همین لحاظ قابلیت بروده شدن آن مورد رسیدگی دادگاه جنحه پاریس قرار گرفته متهم تبرئه و منجر به رسیدگی تمیزی شد دیوان عالی تمیز طبق آراء ۳۹۳ر ۱۹۱۲ و ۱۲ر ۱۹۲۹ عمل مزبور را سرقت تشخیص داده و حکم دادگاه جنحه را نقض مینماید - (مطلب جالب توجه این است که در استدلال خود دیوان عالی تمیز در حقیقت می رساند گرچه منظور مقنن ۱۸۰۷ که تعریف سرقت را کرده ناظر بالکتریسته نبوده ولی بایبیداشدن احتیاجات و ضرورت فعلی نمیتوان مجرم را باین دلیل مصون از مجازات دانست)

مثال دیگر - ماده ۲۸۸ قانون مجازات فرانسه مقرر میدارد « هر مدیر یا صاحب امتیاز نمایش خانه که تألیفات کسی را بدون اجراء تشریفات و مقررات نظامنامه نمایش و بدون اجازه نویسنده بمرض نمایش در تأثیر بگذارد علاوه بر ضبط عوائد آن نمایش به ۵۰۰ الی ۵۰۰۰ فرانک غرامت محکوم خواهد شد »

شخصی موضوع تأثیر دیگری را بدون اجازه مؤلف بوسیله رادیو فوریون (انقال صوت با بی سیم) منتشر و مورد تعقیب مؤلف واقع میشود - ناشر اظهار داشته قانون ناظر به تأثیر بوده و این عنوان راجحه نمایش و بازیگر و غیره لازم داد و انتشار برادیو جرم نبوده و منطبق با ماده ۱۰۰ تأدیة نیست - دیوان عالی تمیز چنین تصمیم اتخاذ میکند که « اختراعات جدید چنانچه تطبیق با موارد قانون مجازات نموده بهمان رویه عمل خواهد شد » در این مورد ملاحظه میشود که رویه قضائی آن کشور جرم تشابهی را قبول و در مقابل ضرورت از قید قانون خود را رها نمود (ضرورت و احتیاج قانون نمیخواهد) موارد دیگری هست که جرمین طرز تحریر عبارت قانون را برای خود مصونیت مجازات دانسته و دادگاه اقامه کرده اند .

ماده ۳۸۸ قانون مجازات فرانسه مینویسد در کس مرتکب سرقت اسبها در مزارع و ۰۰۰۰۰ شود بیگسال تا پنج سال حبس و به ۱۶ تا ۵۰۰ فرانک غرامت محکوم خواهد شد « سارق يك اسب در دادگاه بهنوان آنکه از طرف قانون دزدی يك اسب همین ننده از خود دفاع می نماید - بالاخره دیوان عالی تمیز حکم تبرئه متهم را نقض و رویه خلاف را دستور داده در شماره بعد موارد استعمال ماده ۲ قانون مجازات عمومی و اشکالاتی که در عمل پیش آمد نموده تذکر داده خواهد شد .

دکتر محمد ناهکار